***جنگ حقوقی میان ایران و امریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ: خوب، بد و بدتر***

*ویژه آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحد امریکا*

***علیرضا رنجبر***

*کارشناس ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*

**مقدمه**

می توان اذعان نمود از اوایل انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، شاهد شکل گیری یک سلسله جنگ های حقوقی بین المللی تمام عیار میان ایران و قدرت های جهانی و در رأس آنها ایالات متحد امریکا هستیم. تسخیر سفارت امریکا در تهران و پیرو آن صدور اعلامیه های الجزایر در اوایل انقلاب که یکی از نتایج آن تلاش برای حل دعاوی ایران و امریکا از طریق یک محکمه داوری مستقل، بی طرف و در عین حال مورد قبول طرفین بود، تلاش ایران برای شناسایی و محکومیت عراق به عنوان آغازگر جنگ هشت ساله از سوی سازمان ملل متحد، تحریم های یک جانبه ایالات متحد امریکا، مباحث حقوقی مربوط به دریای خزر و تحریم های سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپایی و تلاش برای رفع تحریم ها از طریق مراجع قضائی، بارزترین مثال هایی هستند که از درگیر شدن ایران در یک سری جنگ های حقوقی بین المللی با دیگر بازیگران عرصه بین الملل دلالت دارند.

با این حال، جنگ حقوقی (Lawfare) که به عنوان «راهبرد استفاده یا سوء استفاده از حقوق به عنوان جایگزینی برای ابزارهای نظامی کلاسیک به منظور دستیابی به اهداف عملیاتی» تعریف شده است، تا کُنون نقش برجسته ای در سیاست های جمهوری اسلامی نداشته است و علی رغم نقش پُر رنگی که می تواند ایفا نماید، اغلب به دلیل مسائل سیاسی و امنیتی مورد بی مهری قرار گرفته و از این جهت ضربات جبران ناپذیری بر پیکر دولت (در معنای عام) و مردم ایران وارد شده است.

رئیس جمهور جدید ایالات متحد امریکا، دونالد ترامپ، از ۲۰ ژانویۀ ۲۰۱۷ (۰۱ بهمن ۱۳۹۵) به عنوان رئیس جمهور امریکا قسم یاد کرد و پس از آن در کاخ سفید مستقر و سکان هدایت امریکا در سطوح ملی و بین المللی را در دست گرفت. این جا به جایی بهترین فرصت برای ایران است تا ضمن تغییر نگاه خود به حقوق بین الملل (به عنوان قوی ترین اسلحه در جنگ حقوقی)، از موقعیت به دست آمده به بهترین شکل ممکن در برابر دشمن دیرین خود بهره مند شود.

بدیهی است که پس از مشخص شدن رئیس جمهور بعدی امریکا، تحلیل ها در خصوص تأثیرات این انتخاب بر حوزه های مختلف از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی آغاز شد. کارشناسان دولتی نیز مشغول بررسی این انتخاب بر روابط میان دولت امریکا و دولت متبوع خودشان هستند. از این رو، کارشناسان ایرانی نیز مشغول مطالعه ابعاد مختلف این انتخاب هستند تا راهبردهای مناسب را در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ پیش بینی نمایند تا بهترین راهبردها را به مسئولان کشور پیشنهاد دهند. با وجود این، بررسی انتخاب ترامپ و ارتباط آن با ایران از منظر حقوق بین الملل کم تر مورد توجه قرار گرفته و تنها به تأثیر این انتخاب بر برجام محدود شده است، در حالیکه این اتفاق در چارچوب حقوق بین الملل فراتر از برجام قابل تأمل است.

بسته به نوع ارتباط دولت ایران با دولت امریکا، از منظر حقوق بین الملل و جنگ حقوقی میان این دو دولت می توان سه روایت خوب، بد و بدتر را متصور شد که در ادامه به تشریح این روایت ها خواهیم پرداخت.

**روایت خوب**

انتخاب دونالد ترامپ و مواضعی که در ارتباط با ایران از جمله در قبال برجام اتخاذ کرده، نشان دهندۀ این واقعیت است که ظاهراً وی برخلاف باراک اوباما از قدرت حقوق بین الملل و جنگ حقوقی به خوبی آشنا نیست. در زمان ریاست جمهوری اوباما، سنگین ترین تحریم ها از سوی مراجع بین المللی (مانند سازمان ملل متحد) و منطقه ای (مانند اتحادیه اروپایی) علیه ایران وضع شد (دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد) و نیز در دوران وی طرفین توانستند اختلافات خود پیرامون مناقشۀ هسته ای ایران را از طریق مذاکره و گفت و گو حل و فصل نمایند (دوران ریاست جمهوری دکتر روحانی). این انعطاف پذیری که در جملۀ معروف وی (تمام گزینه ها بر روی میز هستند) نیز به روشنی مشهود بود، به خوبی نشان دهندۀ قدرت درک رئیس جمهور سابق ایالات متحد امریکا از جایگاه حقوق بین الملل است در حالیکه اظهارات و انتصابات فعلی دونالد ترامپ، تا بدین جا حکایت از آن دارد که وی در سیاست های خود جایگاهی برای حقوق بین الملل و تعهدات ناشی از آن قائل نیست.

عدم تعهد دونالد ترامپ به تعهدات بین المللی امریکا تا بدان جا مشهود است که نوام چامسکی، زبان شناس و فیلسوف نامدار امریکایی، انتخاب دونالد ترامپ را تهدیدی علیه بقای نوع بشر قلمداد می کند و تعدادی از دانشمندان برجستۀ امریکایی با امضای بیانیه ای خواستار متعهد ماندن ترامپ نسبت به برجام شده اند.

این موقعیت، در صورتیکه ادامه یابد، موقعیتی طلایی را پیش روی ایران قرار خواهد داد تا با استفاده از ظرفیت های حقوق بین الملل، و برداشتن گام هایی در این چارچوب، خود را یک کشور متعهد و امریکا را یک کشور غیر متعهد نسبت به تعهدات خود در چارچوب حقوق بین الملل معرفی نماید. کم ترین دستاورد چنین رفتاری برای ایران، به دست آوردن اعتبار و افزایش آن در میان اعضای جامعۀ بین المللی خواهد بود.

برای تحقق این امر، پایبندی به تعهدات بین المللی، احترام به اصول و قواعد حقوق بین الملل و مفاد منشور ملل متحد و ... از جمله مهم ترین گام هایی هستند که باید از سوی تمام مسئولین عالی رتبه رعایت شوند. برای مثال مسئولان و فرماندهان نظامی از اظهارنظرهایی که می تواند علیه ایران و منافع آن در جامعۀ بین المللی مورد بهره برداری قرار بگیرد، ممانعت نمایند. شایان ذکر است دیوان دائمی دادگستری بین المللی در دعوی گرین لند شرقی (۱۹۳۳) و دیوان بین المللی دادگستری در دعوی آزمایش های اتمی فرانسه نزدیک آب های استرالیا، تعهدآور بودن اظهاراتی که از سوی مقاماتی که در حوزه صلاحیت خود اقدام به اظهارنظر می نمایند را مورد شناسائی قرار داده اند. بنابراین، اظهاراتی که در موقعیت خاص از سوی مقامات صالح ایراد می شود ممکن است به موجب حقوق بین الملل ایجاد تعهد کند و الزامی نیست که این اظهارات به صورت کتبی در آید. این در حالیست که غالباً مسئولان و فرماندهان نظامی بدون توجه به بار حقوقی بیانات خود برای دولت ایران، اظهارنظرهای مغایر با حقوق بین الملل می نمایند.

از سوی دیگر، توسل به سازکارهای حقوقی بین المللی و تولید و پشتیبانی از دکترین حقوقی بین المللی که مواضع ایران را تقویت می نمایند، باید در این مرحله تقویت و مورد توجه ویژه قرار بگیرد.

**روایت بد**

اگر دونالد ترامپ نیز همانند رئیس جمهور پیشین امریکا (باراک اوباما) باشد، و یا حداقل نظر مشاوران حقوقی را ملاک عمل قرار دهد، امکان استفاده از ابزارهای حقوقی و پیروز شدن در جنگ حقوقی برای ایران سخت خواهد شد و در بهترین حالت، نتیجۀ جنگ حقوقی به نفع طرفین مساوی یا به تعبیر دیپلمات ها بُرد - بُرد خواهد شد. البته این نتیجه زمانی برای ایران محقق می شودکه از حداکثر ظرفیت های موجود به شکل مناسب و نظام مند و پا به پای امریکا استفاده نمایند.

در این حالت، دولت ایران چالش های بیشتری را نسبت به حالت قبلی پیش رو خواهد داشت زیرا دولت امریکا نیز قصد استفاده از حقوق بین الملل و پیروزی در جنگ حقوقی را دارد. بنابراین پاسخ حملات حقوقی امریکا باید با دفاع حقوقی داده شود و حتی دولت ایران می تواند در جنگ حقوقی مواضع تهاجمی علیه امریکا اتخاذ نماید. در اینجا نیز احتیاج است تا نوع دید مسئولان نسبت به حقوق بین الملل تغییر یابد. در این وضعیت، تمامی راهبردهای حقوقی بین المللی امریکا باید به دقت تحت نظارت و بررسی قرار بگیرد و راهبردهایی حقوقی بین المللی مناسب با آنها اتخاذ شود.

بدیهی است وضعیت مذکور در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که ایران نیز گام های خود را در چارچوب حقوق بین الملل بر دارد، در غیر اینصورت با وضعیتی بدتر روبرو خواهد شد.

**روایت بدتر**

بخش بدتر داستان جایی است که ایران به جای استفاده از فرصت بوجود آمده اقدام به اتخاذ تصمیمات احساسی بگیرد و بر رویۀ سابق خود پابرجا بماند و در سیاست های خود جایگاهی را برای حقوق بین الملل قائل نشود. بنابراین در این فرض، هیچ تفاوتی بین ترامپی که به ارزش های جنگ حقوقی واقف است یا نیست، وجود نخواهد داشت و فرصت ایجاد شده بواسطۀ ریاست جمهوری دونالد ترامپ بر امریکا از بین خواهد رفت.

گفتنی است که تحریم های همه جانبۀ وضع شده علیه ایران که تا کنون بی سابقه بوده است، نتیجۀ عدم اعتقاد به حقوق بین الملل و سازکارهای مرتبط با آن از جمله گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی و قطعنامه های شورای امنیت بود که تأثیرات منفی بسیاری بر وضعیت کشور در سطوح جهانی و داخلی گذاشت و آثار آن همچنان دامنگیر بخش های مختلف کشور و جامعه است.

در صورتیکه دولت دونالد ترامپ نیز همچون دولت باراک اوباما به جنگ حقوقی و قدرت حقوق بین الملل اعتقاد داشته باشد، و دولت ایران نسبت به عدم اعتقاد خود به حقوق بین الملل پایند و نسبت به تعیین و اتخاذ راهبرد مناسب در چارچوب حقوق بین الملل غفلت نماید، با توجه به ویژگی های شخصیتی دونالد ترامپ، احتمالاً دوران ریاست جمهوری وی بسیار بدتر از دوران ریاست جمهوری باراک اوباما و حتی روسای جمهوری پیشین امریکا خواهد بود.

لینک پایدار این مطلب:  <https://goo.gl/o5KSRD>

**نتیجه**

پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج جنگ در میدان مبارزه جای خود را به جنگ در محاکم قضائی و محافل دانشگاهی (ابزارهای نرم افزاری) داد و توسل به اقدامات نظامی (ابزارهای سخت افزاری) به عنوان آخرین راه حل و در شرایطی استثنائی در منشور ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت (مواد ۴۲ و ۵۱ منشور ملل متحد). دولت های توسعه یافته با آگاهی از قدرت نوظهوری که ناشی از ابزارهای نرم افزاری بود، به سمت تقویت منابع این قدرت جدید یعنی آموزش و تربیت حقوقدانان برجسته به منظور تولید دکترین حقوقی بین المللی حرکت کردند و به موازات آن از تقویت ابزارهای سخت افزاری به منظور پشتیبانی از دستاوردهای ناشی از ابزارهای نرم افزاری نیز غافل نماندند.

آنچه تا کنون در ایران اتفاق افتاده است، رویه ای برعکس را نشان می دهد با این توضیح که به جای تقویت و استفاده از ابزارهای نرم افزاری، سیاست ها و مواضعی اتخاذ گردیده که خوراک بهره مندی دیگر دولت ها در عرصه جنگ حقوقی علیه ایران شده است. به عبارت دیگر، دولت ایران (در معنای عام) به جای تقویت مواضع خود در جنگ حقوقی، متوسل به اقداماتی شده است که منتهی به تضعیف مواضع در این پیکار شده است.

در پایان باید به این نکته اذعان کرد که برخلاف تصور موجود، جنگ حقوقی هیچ گونه محدودیتی را برای نیروهای نظامی و فعالیت های آنها ایجاد نخواهد کرد بلکه پیشرفت دستاوردهای نظامی، مکمل و پشتیبان دستاوردهای جنگ حقوقی است. از سوی دیگر، بکارگیری و استفاده از حقوق بین الملل به معنی تغییر جهت در سیاست های کلی ایران نیست؛ چه بسا از طریق بکارگیری حقوق بین الملل، دستیابی به اهداف مشخص شده در سیاست های کلی با سهولت بیشتری حاصل شود.

آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ، فرصت مناسبی است تا با ارزیابی مجدد توانایی ها و ظرفیت های موجود در کشور، ضمن بها بخشیدن به امور حقوقی بین المللی در دستگاه های مختلف و هماهنگ کردن آنها از طریق یک نهاد مافوق سایر نهادها و دستگاه ها، برای مثال ستاد فرماندهی جنگ حقوقی، مواضع خود را در این زمینه تقویت کنیم. بدون شک، حضور فعال و با برنامه در جنگ حقوقی نه تنها هزینه های کم تری در ابعاد مختلف برای ایران در پی خواهد داشت، بلکه می تواند منتهی به تحقق آرمان ها و سیاست های مورد نظر جمهوری اسلامی ایران شود.

**منابع جهت مطالعه بیشتر:**

- هوشنگ مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، ادارۀ نشر وزارت امور خارجه، چاپ بیستم، ۱۳۹۱.

- سید قاسم زمانی، آموزش و پژوهش حقوق بین الملل در ایران؛ از وضع موجود تا وضع مطلوب، جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱ (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.

- کمیل آقاجمالی، قدرت هوشمند اوباما، مبنای چندجانبه گرایی در برخورد با ایران (۲۰۱۳ - ۲۰۰۹)، فصلنامه مطالعات بین المللی، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۹۵، سال سیزدهم.

- [علیرضا رنجبر، «آثار پیشرفت علوم بر جایگاه صلح: چالش ها و دستاوردها»، ترویج علوم، سال ششم، شمارۀ ۸، نیمسال اول ۱۳۹۴.](http://www.popscience.ir/wp-content/uploads/2016/04/tarvijeelm.pdf)

- Michael P. Scharf, Elizabeth Andersen, Is Lawfare Worth Defining - Report of the Cleveland Experts Meeting - September 11, 2010, CASE W. RES. J. INT’L L., Vol. 43:11.

- Noam Chomsky: With Trump Election, We Are Now Facing Threats to the Survival of the Human Species, JANUARY 02, 2017. Available at:

<https://www.democracynow.org/2017/1/2/noam_chomsky_with_trump_election_we>